

یک نظام هم باید در مرحله ایجاد حکومت و اصل تأسیس حکومت به دو عنصر عدالت و جمهوریت مستند باشد و هم این دو عنصر بتوانند در مرحله بقا، پویایی و پایایی نظام را تضمین کنند.

وجود دارد مثلاً عدالت امام جماعت، عدالت قاضی، عدالت حاکم، عدالت شاهد و این‌ها با همدیگر نیز متفاوت است و باید درست معنا شود. از یک طرف، بعضاً عدالت را به عنوان یک ملکه راسخه عندالنفوس معنا کرده‌اند که مقوله باطنی می‌شود که بروز و ظهور خارجی دارد، در برخی از موارد در فقه از عدالت به تساوی یاد شده که یعنی همه باید از یک امکان برابر برخوردار باشند و در جایی دیگر از آن، به تناسب و تعادل معنا شده است. به عبارت دیگر در هر جایی، از عدالت متناسب با زمینه خودش یاد شده است. چون عدالت را به «وَضَعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ» یا «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» معنا کرده‌اند، اینکه چه چیزی در چه جایی مناسب هست باشد، این محل کلام است. اصل اینکه هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد که عدالت باشد، مفروض است. اینکه به هرکسی به اندازه استحقاق خودش به او بدهند، مفروض است اما اینکه چه چیزی حق اوست، چه چیزی در چه جایگاهی باید قرار بگیرد، اینجا محل کلام است و طبیعتاً در اینجا باید به یک ملاک‌های پیشینی مراجعه کنیم و باید براساس این ملاک‌های پیشینی بگوییم که در اینجا مثلاً عدالت به این معناست که باید بین زن و مرد تمایز قائل شد؛ چراکه مثلاً در یک مسابقه ورزشی، رکورد‌های آن با همدیگر سازگاری ندارد و همیشه به نفع مردها می‌شود و این ظلم به زن تلقی خواهد شد یا فی‌المثل در بین مردها نیز همیشه وزن‌کشی می‌کنند تا به دلیل وزن نسبت به دیگری اجحاف نشود؛ بنابراین در برخی از موارد، سنخ عدالت تساوی نیست و در برخی از موارد نیز سنخ عدالت تساوی است؛ یعنی همگان باید از حق برابر از قانون، از حق مساوی در امکانات زندگی و از حق برابر در اشتغال و زندگی و مسکن برخوردار باشند. البته منظور در اینجا در اصل حق و نه کمیت آن است. طبیعتاً باید این ملاحظه را داشت که ملاک هر کدام کجاست. آیا ملاک عدالت به تناسب است؟ به تساوی است؟ به اعتدال است؟ یا تابع ملاک‌های پیشینی است؟

در حوزه عدالت سیاسی بحث مساوات و عدم تبعیض مفروض است. عدم تبعیض در حوزه امکانات دولتی یعنی به تساوی بودن، رانت نداشتن، به یک چشم نگرستن از مسائلی است که طبیعتاً بر مبنای آن می‌توان گفت که در حوزه عدالت سیاسی عمدتاً بحث مساوات مطرح است. البته ممکن است استثنائاتی نیز داشته باشد. همگان حق رأی دارند، ولی زیر هجده سال ندارند. همگان از حق انتخاب شدن برخوردارند؛ اما کسانی که اعتقاد و التزام به مبانی دینی و ملی ندارند، این حق را ندارند. این در همه جوامع وجود دارد، استثنائاتی وجود دارد ولی فارغ از استثنائات و ضوابط، آن تساوی برای همگان وجود دارد. در حوزه مشارکت سیاسی یا به تعبیر دیگر جمهوریت نیز از آغاز همگان دوست دارند که نسبت به زندگی خودشان سهم باشند، مشارکت در سرنوشت خودشان داشته باشند و همواره نیز در طول زمان در این جهت تلاش کرده‌اند،